

## موقعیت ژئواستراتژیک کالینینگراد و تأثیر آن بر انتگرال امنیتی روسیه - ناتو در دریای بالتیک

رکسانا نیکنامی\*

استادیار، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

### چکیده

کالینینگراد منطقه برونگان روسیه است که کیلومترها از خاک کشور فاصله داشته، بیشتر به کشورهای عضو ناتو نزدیک است، و به‌عنوان تنها بندر قابل کشتیرانی روسیه در دریای بالتیک دارای موقعیت ژئواستراتژیک برجسته‌ای است. نظامی‌شدن کالینینگراد و سیاست‌های روسیه در جهت دفاع از خود در برابر گسترش ناتو به سوی شرق، سبب تشدید تنش‌های امنیتی بالتیک شده است. اکنون این پرسش مطرح است که موقعیت ژئواستراتژیک کالینینگراد به‌عنوان پاسگاه خارجی روسیه در دریای بالتیک چه تأثیری بر انتگرال امنیتی روسیه-ناتو در این منطقه بر جای گذاشته است؟ بر اساس بازی قدرت حاکم در منطقه بالتیک، این فرضیه مطرح می‌شود که وضعیت جغرافیایی، منابع و بازنظامی‌شدن کالینینگراد سبب شکل‌گیری معمای امنیتی به‌صورت دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی در منطقه بالتیک شده است، و به هراس طرفین از یکدیگر دامن زده و احتمال رویارویی نظامی میان نیروهای ناتو و روسیه را بیشتر کرده است. برای آزمون فرضیه از نظریه واقع‌گرایی تدافعی استفاده شده است؛ و هسته اصلی این نظریه مفهوم معمای امنیتی است که نقطه ثقل پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. بر اساس روش تحلیل مفهومی منبعث از رویکرد پوزیتیویسم منطقی، رابطه ناتو و روسیه به‌عنوان یک بازی انتگرال با تابع مشترک ترس در نظر گرفته شده است. در دستاوردهای پژوهش آشکار می‌شود که ماریپیچ امنیتی کنونی میان روسیه و ناتو در منتهی‌الیه طیف رویکرد تدافع-تهاجم قرار گرفته است، اما بازی قدرت به‌سوی است که احتمال وقوع منازعه مستقیم دست‌کم در آینده نزدیک در منطقه بالتیک وجود نخواهد داشت؛ اما روند نظامی‌شدن منطقه تشدید خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: کالینینگراد، ناتو، واقع‌گرایی تدافعی، بالتیک، معمای امنیتی، بازدارندگی

\* نویسنده مسئول، رایانامه: [niknami.roxana@ut.ac.ir](mailto:niknami.roxana@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۳۱ مرداد ۱۴۰۰، تاریخ تصویب: ۳۰ خرداد ۱۴۰۱

### ۱. مقدمه

کالینینگراد منطقه‌ای از استان سنت پترزبورگ روسیه و در غرب این کشور است. پیش از جنگ جهانی دوم، بانام کونیگسبرگ<sup>۱</sup> قسمتی از پروس شرقی و متعلق به آلمان بود؛ اما با معاهده پتسدام از آلمان جدا و در اختیار شوروی قرار گرفت. کالینینگراد طی جنگ سرد برای روسیه اهمیت ژئواستراتژیک یافت و به‌عنوان پاسگاه نظامی روسیه از آن یاد می‌شد. با پایان جنگ سرد، بسیاری از سیاست‌گذاران پیش‌بینی می‌کردند که کالینینگراد به‌زودی به هنگ‌کنگ بالتیک تبدیل خواهد شد و پلی برای تعامل میان روسیه و اروپا خواهد بود. لیکن هیچ‌یک از این آرزوها محقق نشد. سقوط شوروی در ۱۹۹۱، ضربه شدیدی بر جایگاه روسیه در دریای بالتیک بود. پیدایش کشورهای مستقل و اروپامحور استونی، لتونی، لیتوانی و لهستان به همراه اتحاد دو آلمان، نقش روسیه را در منطقه کم‌رنگ کرد. با این اوصاف، با وجود مشکلات اقتصادی و موج جدایی‌طلبی که از اوایل دهه ۱۹۹۰ شکل گرفته بود، روسیه توانست کالینینگراد را که از ۱۹۴۵ ضمیمه خاک شوروی شده بود، برای خود حفظ کند. در این دوران، روسیه بدون راهبردی منسجم در قبال غرب بود. در نتیجه، کرملین با علم به گسترش اتحادیه اروپا و ناتو به‌سوی شرق و محاصره کالینینگراد، امکان واکنش نداشت. در نتیجه کالینینگراد دچار وضعیت پیرامونی مضاعف شد.

از ۲۰۰۸ روسیه «دیپلماسی اسکندر<sup>۲</sup>» را فعال کرد که به‌معنای باج‌گیری از ناتو با تهدید به استفاده از موشک‌های اسکندر بود. از سوی دیگر، روسیه اقدام به طراحی دوباره قابلیت نظامی سلاح‌های کشتار جمعی خود کرد، و دست به مانورهای گسترده نظامی زد. بحران اوکراین در ۲۰۱۴ نشان داد که روسیه مایل به خروج از اروپای شرقی نیست؛ اما در نهایت، کرملین در ۲۰۱۵ از «معاهده نیروهای متعارف اروپا»<sup>۳</sup> خارج شد. مجموعه این اقدامات سبب احیای نظامی‌گری در کالینینگراد شد. روس‌ها با این کار یک معمای امنیتی را در دریای بالتیک ایجاد کردند؛ زیرا ناتو و کشورهای عضو آن دست به مقابله‌به‌مثل در جهت بازدارندگی زدند. کشورهای حوزه بالتیک نگران جزایر آلاند<sup>۴</sup>، گوتلند<sup>۵</sup> و تنگه‌های دانمارکی<sup>۶</sup> هستند. سوئد جزیره گوتلند را نظامی کرده است، و از ۲۰۱۷ خدمت سربازی را اجباری کرد. ناوگان دریایی بالتیک نیز در واکنش به روسیه تقویت شد. فراتر از این، روسیه به‌صورت غیرنظامی با ابزار پروپاگاندا بر ناامنی این منطقه دامن زد.

- 
1. Königsberg
  2. Iskandar Diplomacy
  3. Treaty on Conventional Armed Forces in Europe (CFE)
  4. Åland Islands
  5. Gotland
  6. Danish Straits

در نتیجه، مشخص است که کالینینگراد دارای موقعیت ژئواستراتژیک به‌عنوان منطقه برونگان روسیه در دریای بالتیک است. هدف مقاله حاضر واکاوی این مسئله است که موقعیت ژئواستراتژیک منطقه کالینینگراد به‌عنوان پاسگاه خارجی روسیه در دریای بالتیک چه تأثیری بر انتگرال امنیتی روسیه-ناتو در این منطقه بر جای گذاشته است؟ علت انتخاب نام انتگرال، شباهت تعریف ریاضی از این مفهوم و بازی قدرت در بالتیک است. در ریاضیات، انتگرال، روشی برای اختصاص اعداد به توابع است، به‌گونه‌ای که جابجایی، مساحت، حجم و دیگر مفاهیم برآمده از ترکیب داده‌های بی‌نهایت کوچک را به‌وسیله آن بتوان توصیف کرد. این عامل مفسر، در فضای امنیتی بالتیک، ترس است. ترس قدرت‌ها از یکدیگر منجر به شکل‌گیری معمای امنیتی هزارتویی در این منطقه شده است. نادیده گرفتن عامل ترس، درکنش روسیه در اوکراین برای اروپا و ناتو هزینه‌های بالایی دربر داشت؛ و برای درک بازیگری روسیه در بالتیک توجه به این ترس اهمیت دارد. بر همین مبنا، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که وضعیت جغرافیایی، منابع و نظامی شدن دوباره کالینینگراد سبب شکل‌گیری معمای امنیتی به‌صورت دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی در منطقه بالتیک شده است، و خطر رویارویی نظامی میان نیروهای ناتو و روسیه را افزایش داده است.

از نظر بسیاری از پژوهشگران، تفکر راهبردی روسیه و اعمالش مبتنی بر ترکیبی از مؤلفه‌های تدافعی و تهاجمی منبعت از تاریخ، جغرافیا و آرمان‌های روسی است. از آنجاکه ورود به منازعات منطقه‌ای، تقویت نیروها و تسلیحات متعارف و مشروع‌سازی تهدید هسته‌ای عناصر دکنترین نظامی روسیه در دریای بالتیک هستند؛ به‌نظر می‌رسد این کشور در پی به تحلیل بردن توانمندی‌های نظامی ناتو باشد. تهدید هیبریدی روسیه برای اروپا در این منطقه مسجل است، و کالینینگراد در این نبرد هیبریدی نقش کانونی دارد. این مقاله با استمساک به نظریه واقع‌گرایی تدافعی و مفهوم معمای امنیتی و مارپیچ امنیتی، به بررسی این مهم در قالب منطق انتگرال خواهد پرداخت. علت انتخاب این نظریه، تأکید بر نقش پایه‌ای هراس دولت‌های رقیب از یکدیگر در ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل است.

## ۲. پیشینه پژوهش

برای شروع پژوهش ابتدا جستجو در منابع فارسی صورت گرفت؛ اما هیچ مقاله و کتاب علمی در مورد کالینینگراد یافت نشد و تنها در مورد حوزه بالتیک دو مقاله مشاهده شد. مقاله نخست با عنوان «ژئوپلیتیک دریای بالتیک و اهمیت منطقه‌ای آن» است، و به بررسی تحولات دوران پساجنگ سرد در بالتیک اختصاص دارد. نویسندگان آن بیان می‌کنند که سه عامل ترازیت انرژی از روسیه به اروپا به‌واسطه دریای بالتیک، در دسترس شدن بندرهای غیرقابل

کشتیرانی کنونی روسیه در دریای بالتیک تا ۲۰۴۰ به دلیل گرمایش زمین و در نهایت این که دریای بالتیک تنها راه دسترسی لهستان، لتونی، استونی، فنلاند و سوئد به آب‌های آزاد است؛ سبب اهمیت ژئوپلیتیک منطقه شده است. البته در هیچ کدام از این موارد اشاره‌ای به رقابت راهبردی میان روسیه و ناتو نشده است (پیشگامی فرد و عرب، ۱۳۸۳). در مقاله‌ای دیگر، پیامدهای گسترش ناتو در بالتیک، دریای سیاه و اروپای شرقی برای ایران بررسی شده است. این پژوهشگران بالتیک را به عنوان منطقه شمال دور ایران در نظر گرفته‌اند، و معتقدند ناتو تلاش دارد برای حفظ ارزش‌های لیبرال دموکراسی و بازار آزاد با بهره بردن از راهبردهای گسترش مرزهای سیاسی رسمی و غیررسمی، مأموریت‌های بشردوستانه، همکاری‌های دفاعی و امنیتی قلمرو خود را در شمال ایران افزایش دهد؛ و این برای ایران پیامدهای نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خواهد داشت (واثق و دیگران، ۱۴۰۰). با توجه به ابعاد جغرافیایی، فرضیه آنان چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

منابع انگلیسی قابل تأملی در این حوزه منتشر شده است. ویبال و اسلیوا (۲۰۱۹) در مقاله «کالینینگراد، گذرگاه سووالکی و بلندپروازی‌های روسیه در منطقه بالتیک» به بررسی اهمیت کالینینگراد برای روسیه و ناتو می‌پردازند. هدف آن‌ها تحلیل مناقشه احتمالی بر سر گذرگاه سووالکی<sup>۱</sup> است. این گذرگاه نقش اساسی در هرگونه منازعه آتی در حوزه بالتیک خواهد داشت. از دید نویسندگان، ضعف اصلی ناتو مسئله افکار عمومی است که اجازه تحرکات ضد روسی را نمی‌دهد؛ اما روسیه نیازی به توجیه افکار عمومی ندارد. آن‌ها معتقدند که حوادث اوکراین و جاه‌طلبی‌های روسیه نشانگر اراده این کشور برای بی‌ثبات کردن محیط امنیتی شوروی است (Veebal and Sliwa, 2019). تحولات اوکراین در ۲۰۲۲ و جلب افکار عمومی، فرضیه آنان را بی‌اعتبار کرد. کتاب جامعی نیز با عنوان «چالش کالینینگراد: گزینه‌ها و پیشنهادها» در ۲۰۰۳ نگارش یافت که به بررسی موضوع‌های مربوط به جنبه‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و هویتی منطقه و امکان همکاری بیشتر در آن می‌پردازد. ایوانوسکاس و دیگران (۲۰۱۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه کالینینگراد در روابط لیتوانی-روسیه: دلالت‌های مسائل امنیتی لیتوانی» به تحلیل جایگاه منطقه کالینینگراد در رابطه روسیه با لیتوانی، اتحادیه اروپا و متحدان ناتو در حوزه‌های امنیتی سخت و نرم می‌پردازند (Ivanauskas et al., 2017). این پژوهش فهم عمیق‌تری از منطق نظری موجود در مباحث امنیتی منطقه ارائه می‌دهد.

ویبال (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «گزینه‌ها و معماهای ناتو برای بازدارندگی روسیه در دولت‌های بالتیک» به بررسی هدف روسیه از مشروعیت‌زدایی حضور ناتو در دریای بالتیک پرداخته است، و معتقد است که روس‌ها در پی به چالش کشیدن نظم امنیتی بین‌المللی و

جایگزینی آن با نظم نوینی هستند که در آن روسیه نفوذ بیشتری داشته باشد. روسیه آمادگی دارد به صورت تدریجی و تا جایی که بودجه‌اش اجازه می‌دهد به تنش‌های منطقه‌ای دامن بزند (Veebel, 2018). از دید آلتمن (۲۰۱۸) در مقاله «گسترش بدون تهاجم»، شرایط اقتصادی به‌وضوح سبب تحمیل محدودیت‌هایی برای روسیه در گسترش منازعات منطقه‌ای شده است. محدودیت منابع اقتصادی، روسیه را به سوی اولویت‌بندی انتخاب‌هایش می‌کشاند، و این از قدرت چانه‌زنی روسیه در منطقه می‌کاهد (Altman, 2018). آلتمن به این نتیجه می‌رسد که برای ناتو و روسیه هزینه درگیری در منطقه بالا خواهد بود.

منابعی که ذکر آن رفت، بیشتر از زاویه روسیه به مسئله نگرینسته‌اند؛ در حالی که در دسته دیگر آثار به نقش اتحادیه اروپا و ناتو نیز در این بازی توجه شده است. ژوویک-لزیس و نیکولیچ (۲۰۱۲) در فصلی از کتاب «در معنای مرزها و مسائل مرزی در عصر جهانی‌شدن: اروپا و آسیا»، به بررسی جایگاه کالینینگراد پس از گسترش اتحادیه اروپا به سوی شرق می‌پردازند. موج گسترش ۲۰۰۴ سبب محاصره شدن این منطقه از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا شد. در وهله اول روسیه و اتحادیه اروپا خواهان همکاری در این منطقه بودند؛ اما به تدریج وضعیت تغییر کرد. آن‌ها معتقدند که کالینینگراد به دلیل شرایط خاص جغرافیایی در حوزه مسئولیت مشترک هر دو طرف قرار می‌گیرد (Jovic-Lazic and Nikolic, 2012).

### ۳. چارچوب نظری

در نظریه واقع‌گرایی تدافعی استدلال شده است که دولت‌ها در جستجوی امنیت هستند، و تلاش می‌کنند تا نفوذشان را در شرایط ناامنی افزایش دهند؛ بنابراین نظام بین‌الملل، دولت‌ها را وادار می‌کند تا تدافعی عمل کنند. آنارشی در نظام بین‌الملل به‌عنوان یک پدیده مثبت در نظر گرفته می‌شود. در قلب واقع‌گرایی تدافعی، مفهوم معمای امنیتی قرار دارد؛ زیرا، تنها در سایه معمای امنیتی امکان همکاری میان دولت‌ها فراهم می‌شود. هربرت باترفیلد<sup>۱</sup> واژه «معمای امنیتی» را نخستین بار در ۱۹۴۹ مطرح کرد، سپس جان هرترز در ۱۹۵۰ آن را به‌کار گرفت. افرادی چون رابرت جرویس، چارلز گلسر، استفن والت و ... در نظریه‌های خود بر این مفهوم تأکید کرده‌اند. گلسر بدبینی واقع‌گرایی تهاجمی نسبت به همکاری در نظام آنارشیک را زیر سؤال می‌برد و مدعی است که دو کشور جوایای امنیت، همیشه دست به رد امکان همکاری میان خود نمی‌زنند (Acharya and Ramsay, 2013:184).

معمای امنیتی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن اعمال یک دولت در جهت افزایش امنیت خود منجر به واکنش سایر دولت‌ها خواهد شد؛ و در نهایت امنیت دولت به‌جای

افزایش، کاهش خواهد یافت (Wivel, 2011:2389). هرگز در کتاب *واقع‌گرایی سیاسی و ایدئالیسم سیاسی* با دیدی روان‌شناسانه به بررسی معمای امنیتی می‌پردازد. وی این معما را تمثال «بکش یا بمیر<sup>۱</sup>» خواند که گونه‌ای از سندرم «بجنگ یا بگریز<sup>۲</sup>» به‌شمار می‌آید و رقابت امنیتی از همین مسئله نشات می‌گیرد. در واقع، ساختار آنارشیکی نظام بین‌الملل مهم‌ترین عامل پیدایش معمای امنیتی است. از دید مدافعان این نظریه، همه دولت‌ها با وضعیت معمای امنیتی روبرو هستند؛ اما اکثر آن‌ها تأکید دارند که شدت معمای امنیتی در هر زمان و مکانی متفاوت است. اشتفن فن اورا<sup>۳</sup> می‌گوید: «شدت معمای امنیتی وابسته به سهولت غلبه<sup>۴</sup> است. اگر غلبه آسان باشد؛ دولت‌ها با معمای امنیتی شدیدی روبرو می‌شوند. در مقابل اگر غلبه دشوار باشد؛ معمای امنیتی ملایم‌تر می‌شود، زیرا سایر دولت‌ها می‌توانند بر قابلیت‌های نظامی خود بدون تقویت تهدید تهاجمی بیفزایند» (Wivel, 2011: 2390).

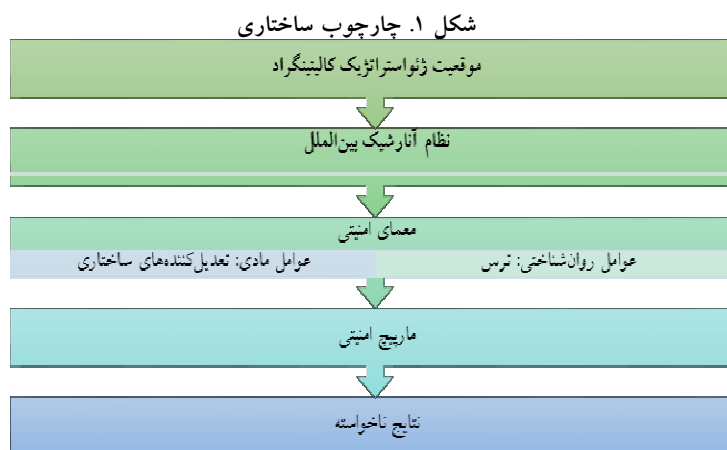
در نظام بین‌الملل، انحصار قانونی خشونت وجود ندارد، و هر دولتی باید مراقب امنیت خود باشد. حتی اگر دولت‌ها تنها به این هدف تأکید کنند، و نیتی برای آسیب وارد کردن به دیگری نداشته باشند؛ اعمالی نظیر تأمین تسلیحات و توسعه فناوری‌های جدید نظامی منجر به کاهش امنیت سایرین خواهد شد. البته کاهش امنیت دیگری، به‌طور خودکار یک دولت را در جایگاه معمای امنیتی قرار نمی‌دهد؛ اما به‌دلیل ساختار آنارشیکی، سایر دولت‌ها نیز از همین الگو پیروی خواهند کرد. دولت‌ها، تشخیص نمی‌دهند که آیا دولت مسلح از قابلیت‌های نظامی خود برای حمله استفاده خواهد کرد یا خیر. به‌عبارتی، دولت‌ها با هدف موازنه قوا به‌سوی افزایش توانمندی نظامی خود حرکت می‌کنند؛ و این وضعیت می‌تواند به یک مارپیچ امنیتی<sup>۵</sup> بیانجامد. هزارتوی امنیتی یک فرایند کنش و واکنش است که در آن دو دولت وارد مسابقه تسلیحاتی با یکدیگر می‌شوند و در ادامه ممکن است جنگ در بگیرد (Wivel, 2011: 2390). باوجودی که این واژه برای توضیح روابط شوروی و ایالات متحده در دوران جنگ سرد به‌کرات مورداستفاده قرار گرفت؛ اما همچنان برای تحلیل روابط میان فدراسیون روسیه و ناتو در منطقه بالتیک نیز کارآمد است. در منطقه بالتیک بازیگران دولتی برای ایجاد صلح و ثبات می‌کوشند؛ اما در عین حال آنچه در کالینینگراد از سوی روس‌ها دنبال می‌شود، تبدیل به آتش زیر خاکستر شده است.

ترس روس‌ها از ناامنی، منجر به تسلیح منطقه برونگان خود و ترس ناتو از حمله احتمالی روس‌ها سبب مقابله به‌مثل شده است. به‌عبارت بهتر، می‌توان گفت که مفروضه‌های اصلی

- 
1. Kill or Perish
  2. Fight or Flight
  3. Stephen Van Evera
  4. Ease of Conquest
  5. Spiral Security

واقع‌گرایی تدافعی در مورد معمای امنیتی عبارت‌اند از: ۱. معمای امنیتی ویژگی کنترل‌شدنی نظام آنارشیک است؛ ۲. تعدیل‌کننده‌های ساختاری مثل موازنه دفاع-تهاجم، نزدیکی جغرافیایی و دسترسی به مواد خام بر شدت معمای امنیتی میان دولت‌ها تأثیر می‌گذارد؛ ۳. قدرت مادی، پیشران سیاست خارجی دولت‌ها به‌واسطه مفروض‌ها و محاسبه‌های رهبران است؛ و عنصر ترس دارای نقش محوری است؛ ۴. سیاست داخلی می‌تواند تأثیر پاسخ دولت به محیط خارجی را محدود کند (Taliaferro, 2000:136). بنابراین تعدیل‌کننده‌های ساختاری یا عوامل مادی، نقش مهمی در سمت‌گیری معمای امنیتی ایفا می‌کنند.

یکی از مسائل مورد تأکید نوشتار حاضر بررسی تعدیل‌کننده‌های ساختاری منبعث از موقعیت ژئواستراتژیک کالینینگراد در منطقه بالتیک است؛ بنابراین کالینینگراد از لحاظ شاخص‌های دوگانه بالا یعنی موازنه دفاع-تهاجم در فناوری نظامی، موقعیت جغرافیایی آن و وضعیت منابع موردبررسی قرار خواهد گرفت. مفروض دیگری که از توضیحات بالا مستخرج می‌شود، این است که «ترس» عنصر بنیادین و محرک معمای امنیتی به‌شمار می‌آید؛ و این ترس در پیوند با آناشری و آگاهی نداشتن از نیت طرف مقابل به معمای امنیتی دامن می‌زند. در نتیجه لازم است فرایند شکل‌گیری این ترس در کالینینگراد بررسی شود. می‌توان از ترس به‌عنوان عامل روان‌شناختی ایجاد معمای امنیتی یاد کرد. مجموع عوامل مادی و معنوی موجد معمای امنیتی به ماریپچ امنیتی ختم خواهد شد که نتایج ناخواسته‌ای در پی خواهد داشت. چارچوب ساختاری این پژوهش با توجه به روش و نظریه مطرح‌شده را می‌توان در شکل ۱ خلاصه کرد:



منبع: نگارنده

روش پژوهش نوشتار بر مبنای تحلیل مفهومی است. در این روش پژوهشگر معیارهای منطقی را ملاک قرار می‌دهد، و سعی بر تفسیر معنا دارد. گاهی مسائل حل‌نشده‌ای در تحلیل باقی‌مانده است که علت آن دور بودن از صراحت و وجود عبارات دوپهلوی است. در نتیجه برای درک مسائل باید معنای وابسته به زمینه کلمات را عملیاتی کرد (ستاری، ۱۳۹۶: ۹۶). این روش بیشتر مدنظر پژوهشگرانی است که طرفدار رویکرد پوزیتیویسم منطقی هستند و به عملیاتی کردن مفاهیم علاقه دارند (ستاری، ۱۳۹۶: ۹۷). در این راستا، پژوهش حاضر کلیدواژه‌های معمای امنیتی را با توجه به چارچوب واقع‌گرایی تدافعی معنا و در میدان رقابتی بالتیک عملیاتی کرده است. لذا معنای عملیاتی‌شده در این پژوهش ناگزیر با سایر تفاسیر یکسان نیست.

#### ۴. تعدیل‌کننده‌های ساختاری منبعث از موقعیت ژئواستراتژیک کالینینگراد

##### ۱.۴. موقعیت جغرافیایی و وضعیت منابع

از دید لوبل، نخستین شاخص مهم در تعدیل‌کننده‌های ساختاری، جغرافیا و وضعیت منابع کشور است. مسائلی نظیر موقعیت جغرافیایی، موانع طبیعی، اندازه سرزمین و سختی انجام عملیات لجستیکی از عوامل مهم دخیل در این شاخص هستند (Lobell, 2010:13). کشورهایی که دارای مزایای دفاعی جغرافیایی هستند نسبت به سایر کشورها با افزایش قدرت دشمنان با شدت کمتری واکنش نشان می‌دهند، و بیشتر به راهبردهای نظامی-دفاعی تأکید دارند (Lobell, 2010:13).

##### ۱.۱.۴. ویژگی‌های جغرافیایی

کالینینگراد بانام کونیگسبرگ پیشتر قسمتی از خاک پروس بود. شوالیه‌های تتونیک<sup>۱</sup>، نخستین قلعه کونیگسبرگ را در ۱۲۵۵ در ساحل رود پرگل<sup>۲</sup> بنا نهادند. از ابتدا این منطقه هسته اصلی تجاری اتحادیه هانزا<sup>۳</sup> بود (Naumkin, 2004:4). پس از فروپاشی شوروی، این منطقه در وضعیت محاصره مضاعف قرار گرفت؛ زیرا از یک‌سو از خاک اصلی روسیه به‌واسطه لیتوانی و لتونی جدا شد، و از سوی دیگر با گسترش اتحادیه اروپا و ناتو در محاصره کشورهای غربی قرار گرفت. مساحت این منطقه ۱۵،۱۰۰ کیلومترمربع و جمعیت آن ۴۸۶،۸۶۳ نفر است (US Census Bureau, 2021). نزدیک‌ترین شهر روسیه به این منطقه، با فاصله ۸۰۰ کیلومتری، پسکوف<sup>۴</sup> است. این در حالی است که فاصله منطقه تا ویلنیوس تنها ۳۵۰ کیلومتر و تا استکهلم ۶۵۰ کیلومتر است. وضعیت محاصره مضاعف سبب افزایش وابستگی منطقه به

1. Teutonic Knights.

2. Pregel

۳. Hanza Union (اتحادیه اقتصادی از دریای بالتیک تا دریای شمال در سده‌های ۱۳-۱۷).

4. Pskov



کشورهای پیرامونی شده است؛ اما در فرایندی متناقض‌نما فاصله کشورهای اروپایی بالتیک با آن روزبه‌روز عمیق‌تر و به انزوای جغرافیایی آن دامن زده است. با توجه به هم‌مرز بودن کالینینگراد با اتحادیه اروپا، اعمال قوانین اتحادیه در حوزه بازرسی مرزی، رواید و گمرک، زندگی مردم کالینینگراد را تحت تأثیر خود قرار داده است. روسیه نگران بود که پس از گسترش اتحادیه اروپا، مرز لیتوانی و کالینینگراد به‌عنوان مرز خارجی اتحادیه اروپا بسته شود.

شکل ۲. نقشه کالینینگراد



منبع: (Olberg, 2019)

در همین راستا، در اجلاس اکتبر ۱۹۹۹ روسیه و اتحادیه، «راهبرد میان‌مدت توسعه روابط میان فدراسیون روسیه و اتحادیه اروپا ۲۰۰۰-۲۰۱۰» را معرفی و بر لزوم انعقاد موافقت‌نامه ویژه و همکاری در کالینینگراد تأکید شد. از این حیث وضعیت جغرافیایی و به‌ویژه مرزی سبب تمایل طرفین برای همکاری‌های اقتصادی نزدیک‌تر شده است (Jovic-Lazic and Nikolic, 2012:42). تصویب «مفهوم سیاست اجتماعی-اقتصادی فدرال» در ۲۰۰۱ از سوی روسیه و سند همکاری نزدیک‌تر لهستان و لیتوانی از سوی کمیسیون اروپا را می‌توان در همین راستا دانست. مرزهای کالینینگراد با لهستان ۲۰۰ کیلومتر و با لیتوانی ۲۸۰ کیلومتر است. ایستگاه‌های بازرسی مرزی نیز در ۲۵ نقطه مستقر شده‌اند. از این حیث روسیه مرزهای شکننده‌ای با اروپا دارد (Jovic-Lazic and Nikolic, 2012:44).

باید توجه داشت که وضعیت جدا ماندن کالینینگراد از روسیه افزون بر بعد ژئوپلیتیک دارای تبعات روانی هم بوده است. این منطقه به‌طور کامل نه روسی، و نه اروپایی است. برخی زمره‌ها از سوی شهروندان مبنی بر استقلال از روسیه شنیده می‌شود (Mite, 2002). ۵۰ درصد

مردم کالینینگراد بارها از لهستان، لیتوانی و سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا دیدار کرده‌اند؛ درحالی‌که حتی یک‌بار هم به سایر قسمت‌های روسیه سفر نکرده‌اند. آن‌ها در حال ساخت هویتی اروپایی برای خود هستند (Gromadzki and Wilk, 2001: 4).

#### ۴.۱.۲. امکان عملیات لجستیکی

بر اساس نظر واقع‌گرایان تدافعی، دولت‌ها به‌طور معمول قدرت خود را در جایی که مستلزم طی کردن مسافت طولانی است خرج نمی‌کنند؛ زیرا بار لجستیکی آن بالا و احتمال شکست زیاد است (Lobell, 2010:13). از حیث عملیات لجستیک، کالینینگراد برای روسیه و ناتو حائز اهمیت است. در این بین به‌طور حتمی باید به اهمیت گذرگاه سووالکی اشاره کرد. این گذرگاه به‌پهنای ۱۱۰-۱۱۵ کیلومتر کالینینگراد را از راه بلاروس (متحد نزدیک روسیه) به روسیه متصل می‌کند. در واقع، کل دستیابی زمینی روسیه به کالینینگراد از این گذرگاه ممکن است، و شهروندان روس برای گذر از این ناحیه نیاز به اخذ ویزا ندارند (Veebal and Sliwa, 2019: 110).



منبع: (Suwalki Gap, 2021)

شرایط گذرگاه سووالکی مناسب عملیات دفاعی است؛ اما هزینه درگیری نظامی در کالینینگراد را تا حد زیادی برای هردو طرف بالا می‌برد (به شکل ۳ بنگرید). به دلایل جغرافیایی اگر سووالکی به‌دست هرکدام از طرفین بیفتد؛ پس گرفتن آن ناممکن خواهد بود. باید توجه داشت که مسئله قومیت در مورد این موضوع اهمیت دارد. روسیه در این زمینه شانسی ندارد، و جمعیت اصلی اطراف گذرگاه را لهستانی‌ها (حدود ۲ میلیون نفر) تشکیل می‌دهند و تنها ۱۱۰۰۰ روس در آن ساکن هستند. در جریان الحاق کریمه به روسیه، این کشور

به اکثریت روس منطقه تکیه کرده بود (Elak and Śliwa, 2016:25). اما در این منطقه از موهبت بالا بی بهره است.

شکل ۴. شباهت‌ها و تفاوت‌های کالینینگراد با مناطق دارای شرایط جغرافیایی مشابه



منبع: (Richard *et al.*, 2018: 91)

در اهمیت این گذرگاه همین بس که بزرگ‌ترین مانور نظامی ناتو در اروپای شرقی در ژوئن ۲۰۱۶ بانام «آناکوندا»<sup>۱</sup> در لهستان به‌طور کامل معطوف به دفاع از گذرگاه سووالکی بود. در پایان مانور، ژنرال بن هودجز<sup>۲</sup> اعتراف کرد که روسیه سریع‌تر از دولت‌های بالتیک قادر به دفاع از گذرگاه خواهد بود. این بدان معنا است که ناتو امکان حمله پیش‌دستانه به آن را ندارد. راه‌حل ناتو، تقویت زیرساخت‌های لجستیکی کشورهای منطقه بوده است که موفقیت چندانی نداشته است. برای مثال، تانک‌های ۷۰ تنی ناتو امکان عبور از پل‌های گذرگاه ویستولا<sup>۳</sup> به لهستان را ندارند، اما تانک‌های زیر ۵۰ تن روسیه این توانایی را دارند (Suwalki Gap, 2021). در صورتی‌که روسیه بخواهد به منطقه بالتیک حمله کند و از روش ستون پنجم مثل عملیات دنباس و کریمه بهره ببرد؛ ناتو باید خیلی سریع نیروهایش را در منطقه سووالکی-کاناس<sup>۴</sup>

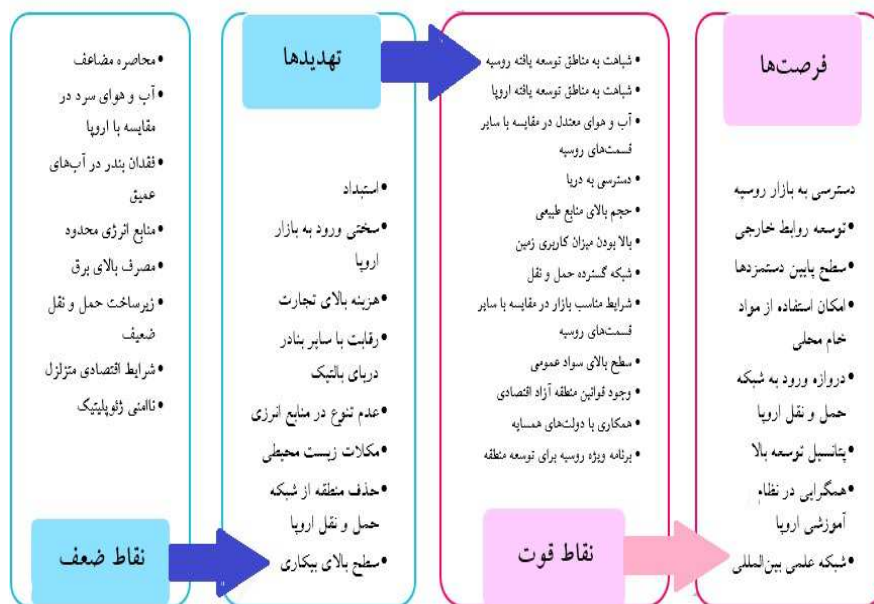
1. Anaconda  
2. Ben Hodges  
3. Vistula  
4. Suwalki-Kaunas

مستقر کند تا مسیر لجستیکی حفظ شود؛ بنابراین به نفع هیچ کدام از طرفین نیست که از موضع تدافعی خارج و دست به تهاجم بزنند.

#### ۳.۱.۴. وضعیت منابع

شرایط طبیعی و منابع کالینینگراد مناسب توسعه، کشاورزی، حمل و نقل و... است؛ اما این توانایی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است و مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان است. یکی از چالش‌های کالینینگراد مسئله امنیت انرژی است. کشف نفت در کالینینگراد به ۱۹۶۸ بازمی‌گردد. اکنون، از مجموع ۲۵ میدان نفتی شناسایی شده، ۱۸ مورد فعال هستند. شوروی سالیانه ۱,۵ میلیون تن نفت کالینینگراد را استخراج می‌کرد؛ اما از اواخر دهه ۱۹۸۰ منابع منطقه رو به کاهش رفت. در ۱۹۶۳، دو میدان گازی در دریای بالتیک و مجاور آب‌های کالینینگراد (بالتیسک<sup>۱</sup> و غرب کورنین<sup>۲</sup>) کشف شد؛ و این میدان‌ها را کراوتسوفسکوئه<sup>۳</sup> نامیدند (Orlenok) (et al, 2015: 253).

شکل ۵. ویژگی‌های منابع طبیعی کالینینگراد



منبع: (Belova et al., 2015: 63)

1. Baltiysk
2. Curonian
3. Kravtsovskoye

گاز پروم برای تضمین امنیت انرژی کالینینگراد به تازگی خط لوله گاز طبیعی مینسک-ویلنیوس-کاناس-کالینینگراد را به طول ۱۵۵ کیلومتر آغاز کرده است. این خط لوله برای تأمین انرژی کالینینگراد حیاتی است. روسیه با استفاده از آن می‌تواند مشکل شبکه گازی منطقه برونگان خود را حل کند و در عین حال افزایش وابستگی لیتوانی به منابع گازی خود را نیز تضمین نماید. گاز پروم در ۲۰۱۶ نیز یک خط لوله ۲۵ کیلومتری به چرنیاخوفسک<sup>۱</sup> کشید. پس از افزایش تقاضا گاز در کالینینگراد، طرح ساخت انشعاب به خط لوله‌های گوسف و سووتسک<sup>۲</sup> نیز در ۲۰۱۷ کلید خورد (Minsk-Vilnius-Kaunas-Kaliningrad, 2021). کالینینگراد همچنین بزرگ‌ترین (۹۰ درصد) منابع کهربای دنیا را در اختیار دارد. مرغوب‌ترین کهربای منطقه در یانتارنی<sup>۳</sup> و بالتیسک استخراج می‌شود. سه ماده معدنی مهم دیگر کالینینگراد سنگ نمک (در گوسف و رومانوفو<sup>۴</sup> که قسمت بزرگ آن به سوئد و فنلاند صادر می‌شود)؛ پتاسیم و منیزیم (نیونسکویه<sup>۵</sup>) و ساپروپل است (Richard et al., 2018: 254). سایر منابع این منطقه عبارت‌اند از زغال‌سنگ قهوه‌ای، زغال‌سنگ نارس، آب‌معدنی و منابع کشاورزی مانند لوبیا، گندم و جو (Naumkin, 2004:4).

## ۵. موازنه دفاع-تهاجم در فناوری نظامی

در دوران پساجنگ سرد دو تغییر مهم در جایگاه امنیتی دریای بالتیک رخ داد: نخست، گسترش نظم سیاسی-امنیتی غرب در قالب عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا و جا انداختن روسیه به‌عنوان شیطان در منطقه. دوم، پیدایش همکاری‌های امنیتی میان کشورهای منطقه در قالب‌هایی مانند شورای دولت‌های بالتیک یا راهبرد اتحادیه اروپا در دریای بالتیک. از ۲۰۰۰ به بعد، واکنش روسیه به این تحول‌ها با آرامش همراه نبود. نگرانی‌های غرب از پیگیری سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده روسیه و مانورهای نظامی تهاجمی این کشور همواره در این دوران احساس می‌شود. در شکل ۶ می‌توان تاکتیک‌های تهاجمی و تدافعی روسیه در منطقه را مشاهده کرد.

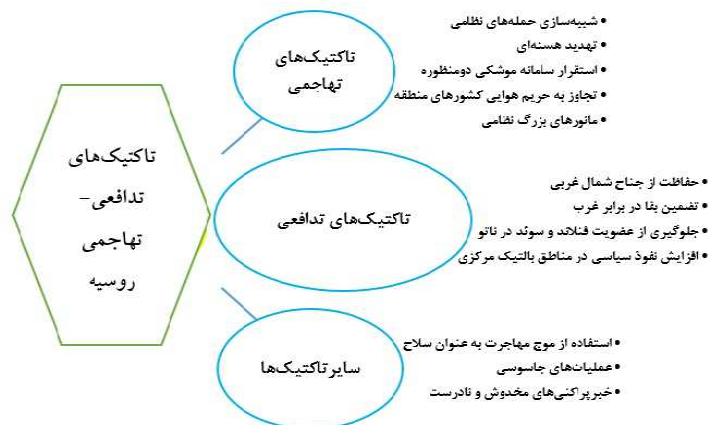
وجه ممیزه واقع‌گرایی تدافعی از ساختارگرایی والتز، شاخص دفاع-تهاجم است. از دید گلسر و کافمن این شاخص منعکس‌کننده توانایی دولت برای تبدیل قدرت به توانمندی نظامی است؛ یعنی شرایطی که دفاع بر حمله برتری دارد، و می‌تواند از بروز جنگ جلوگیری کند. موازنه دفاع-تهاجم نشان‌گر قابلیت‌های نظامی یا توانایی دولت در انجام مأموریت نظامی

---

1. Chernyakhovsk  
2. Gusev and Sovetsk  
3. Yantarny  
4. Romanovo  
5. Nivenskoye

موفقیت‌آمیز، بازدارندگی و دفاع است (Glaser and Kaufmann, 1998: 44). آن‌ها معتقدند عناصر اصلی دفاع-تهاجم عبارت‌اند از قدرت که با توجه به منابع نسبی اندازه‌گیری می‌شود، و مهارت نظامی که به معنای توانایی یک کشور در استفاده کارآمد از فناوری نظامی، با تأکید بر طراحی راهبرد نظامی، ارزیابی نیروها و راهبرد دشمنان است (Glaser and Kaufmann, 1998: 45). لین-جونز نیز معتقد است که ارزیابی شاخص دفاع-تهاجم بر اساس قابلیت‌های فناورانه طرفین صورت می‌پذیرد. در این میان توانایی هسته‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است (Lynn-Jones, 1995: 667). به نظر می‌رسد بتوان دیدگاه لین-جونز را در راستای محور قدرت مورد توجه گلیسر و کافمن بررسی کرد. بر این اساس، برای بررسی این شاخص در کالینینگراد، ابتدا به تحلیل کم و کیف قدرت نظامی و به‌ویژه قدرت هسته‌ای مستقر در آن پرداخته و بعد مهارت نظامی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

#### شکل ۶. تاکتیک‌های تهاجمی-تدافعی روسیه در بالتیک



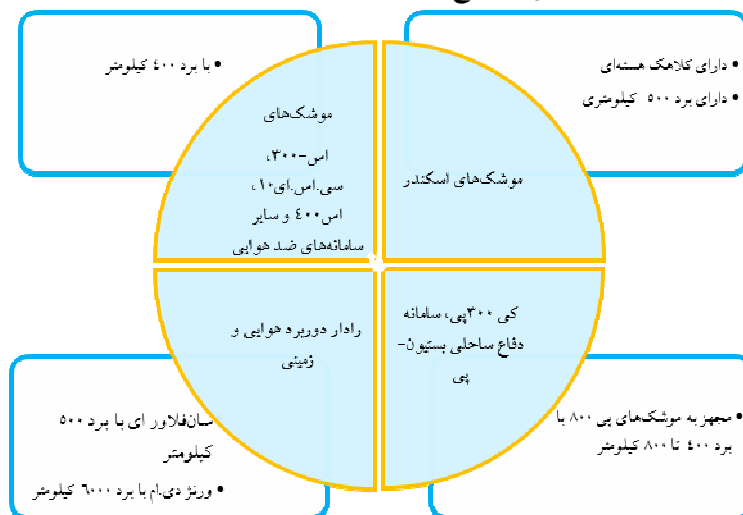
منبع: نگارنده

#### ۵. ۱. قدرت نظامی در کالینینگراد

نقش کالینینگراد پس از فروپاشی کاهش یافت، و حکم مهره‌ای بی‌ارزش در بازی با ناتو را پیدا کرد؛ اما امروزه وضعیت تغییر کرده است. جدای از مسائل نظامی روسیه، مسائل غیرنظامی هم مطرح شده است. در ژوئیه ۱۹۹۸ «منطقه ویژه کالینینگراد» شکل گرفت که برخاسته از لزوم دفاع از امنیت ملی روسیه در جنوب غربی دریای بالتیک بود. در ۲۰۰۹، منطقه ویژه در چارچوب «حوزه نظامی غرب<sup>۲</sup>» قرار گرفت (Sukhankin, 2017: 25).

1. Kaliningrad Special District (KOR)  
2. Western Military District (WMD)

شکل ۷. سلاح‌های روسی مستقرشده در کالینینگراد



منبع: (Sukhankin, 2017:27)

از ۲۰۱۸، تیپ تفنگداران موتوری، هنگ تانک، تیپ نیروی دریایی پیاده‌نظام و تیپ نیروی دریایی و ... در کالینینگراد مستقر شدند؛ و حتی قسمت عمده ناوگان روسیه در دریای بالتیک در بالتیسک مستقر شد. ناوگان بالتیک شامل دو کشتی مجهز به موشک‌های کالیبر<sup>۱</sup> است که روس‌ها را دارای قدرت متعارف دوربرد و حتی هسته‌ای در برابر اروپا کرده است (Brauss et al., 2020:10). استقرار موشک‌های کروز ضد کشتی /ونیکس<sup>۲</sup> در اوت ۲۰۱۹ به‌همراه استقرار موشک‌های اسکندر مدل/ام-کلاس<sup>۳</sup> این تدارک نظامی را تکمیل کرد.

نتیجه نظامی شدن کالینینگراد، پیروی از راهبرد «ضد دسترسی/محروم‌سازی در منطقه»<sup>۴</sup> بود. منظور از این راهبرد، استقرار مجموعه‌ای از سامانه‌های جنگ سایبری است که نه تنها در زمینه تولید پارازیت؛ بلکه در زمینه انهدام کامل اهداف دشمن نیز عمل می‌کند. این راهبرد پیچیده برای بازداشتن نیروهای متخصص (روی زمین، دریا و هوا) و حرکت آزادانه نیروهای خودی در داخل مرزها و مناطق عملیاتی طراحی شده است. با این راهبرد، کالینینگراد تبدیل به منبع تهدید برای لهستان و کشورهای بالتیک از یک‌سو، و دانمارک، سوئد و فنلاند از سوی دیگر شد (Giles and Boulegue, 2019: 22). این کشورها نگرانی خود را نسبت به تهدید روسیه برای جزایر آلاند، گوتلند و تنگه‌های دانمارکی بارها اعلام کرده‌اند.

1. Kalibr
2. Oniks
3. Buyan-M-Class
4. Anti Access/Area Denial (A2/AD)

## ۵. ۲. مهارت نظامی در کالینینگراد

### ۵. ۲. ۱. راهبرد نظامی روسیه

عناصر دکترین نظامی روسیه پس از ۲۰۱۴ عبارت‌اند از: ۱. نقش مهم جنگ‌های منطقه‌ای به‌ویژه در مناطق دریای سیاه و دریای بالتیک؛ ۲. نیروها و قابلیت‌های متعارف و هسته‌ای، عناصر جدایی‌ناپذیر جنگ هستند؛ ۳. در نتیجه، تهدید هسته‌ای مشروع است (Brauss, 2020). عقاید بنیادین راهبرد روس‌ها عبارت‌اند از: لزوم حفظ نظام استبدادی در جهت تضمین ثبات و امنیت و اثبات خود به‌عنوان یک ابرقدرت. ملاحظات دفاع-تهاجم آن عبارت‌اند از: حفظ یکپارچگی سرزمینی، جلوگیری از محاصره شدن از سوی غرب، نگاه به سیاست به‌عنوان بازی با حاصل جمع جبری صفر، و در نهایت ایجاد یک کمربند امنیتی در پیرامون خود برای حراست از مرزها (Brauss, et al., 2020: 8). در حوزه نظامی غرب که دریای بالتیک عضو آن است، طرف مقابل روسیه، ناتو است. همه این موارد باعث می‌شود که گسترش ناتو هشدار برای روسیه باشد، و برای خنثی کردن آن وارد عمل شود. رفتار سیاست خارجی مانند تحریم اوکراین، گرجستان، مولداوی و... پس از پیوستن به ناتو، دور نگاه داشتن سوئد و فنلاند از ناتو، اتحاد با ترکیه و استفاده از اختلاف‌های این کشور با ناتو، و تقویت اتحادیه اقتصادی اوراسیایی با بلاروس و ارمنستان در همین راستا قرار دارد.

روسیه به‌خوبی می‌داند که اکنون نه امکان جنگ بلندمدت با غرب وجود دارد، و نه امکان مقابله مستقیم با ناتو؛ در نتیجه تمرکز خود را معطوف به تضعیف توانمندی‌های ناتو کرده است. در این راستا، بازیگری روسیه به شکل هیبریدی به‌پیش رانده می‌شود. به همین دلیل روسیه با نقض «معاهده منع موشک‌های میان برد»<sup>۱</sup> تصویب‌شده در ۱۹۸۷، اقدام به استقرار موشک‌های زمینی با توان حمل کلاهک هسته‌ای در کالینینگراد کرد. در کنار چنین راهبرد تهاجمی، روسیه به ابداع «راهبرد اقدام‌های محدود»<sup>۲</sup> نیز دست زد. روس‌ها از این راهبرد برای توضیح استقرار نیروهای خود در عملیات متعارف بهره می‌برند. این مفهوم وارد حوزه نظامی غرب نیز شد. بودجه دفاعی روسیه از ۲۰۱۵ روزه افزایش رفت، و در ۲۰۱۹ به ۶۲ میلیارد دلار رسید. هرچند در ۲۰۲۰ با اندکی کاهش ۶۱٫۷ میلیارد دلار شد (Statista, 2021).

در گزارش منتشرشده در ۲۰۲۱ از سوی سرویس اطلاعات خارجی استونی، در سایه حوزه نظامی غرب، روس‌ها با اختصاص ۵ ستاد لشکری و ۵ هنگ مکانیزه اراده خود مبنی بر حضوری تهاجمی‌تر در بالتیک را نشان دادند (Abel & OÜ, 2021: 4). هرچند اکنون برخی واحدها نزدیک شرق اوکراین مستقر شده‌اند؛ و در نتیجه اوکراین در خط مقدم حمله آتی قرار گرفته است؛ اما خطر برای منطقه بالتیک همچنان وجود دارد؛ زیرا حضور نیروها در کالینینگراد

1. Intermediate-range Nuclear Forces Treaty (INF)  
2. Strategy of Limited Actions



می‌تواند به ناتوانی ناتو دامن بزند و جلوی ورود نیروهای واکنش سریع ناتو به منطقه را بگیرد. حتی شاید بتوان نتیجه گرفت که یکی از اهداف اصلاحات دفاعی و نظامی کنونی روسیه مربوط به بالا بردن توانایی واکنش سریع، تحرک بالا و آتش توپخانه سنگین خود در دریای بالتیک است.

### ۵.۲.۲. آرایش نیروها

فهم روسیه از مسائل نظامی فراتر از دکترین نظامی، در طراحی سناریوهای تمرین نظامی-مانورها و آرایش گوناگون نیروها متبلور شده است. تمرین‌های سطح راهبردی روسیه بانام «زاپاد» در حوزه غربی، هر چهار سال یکبار انجام می‌شود. در ۱۹۹۹، نخستین مانورهای زاپاد آغاز شد. در طراحی این تمرین‌های راهبردی نهادهای غیرنظامی روسیه مثل سرویس امنیت فدرال و وزارت کشور، شرکت‌های صنایع دفاعی و... نقش مهمی ایفا می‌کنند (Sukhankin, 2017:25). مانور زاپاد-۹۹ دو جنبه مهم داشت: جنبه نخست، گسترش ناتو به سوی شرق از سوی روسیه به‌عنوان تهدید قلمداد شد، و در نتیجه کالینینگراد تبدیل به ابزار تلافی شد. برای مثال، سلاح‌های هسته‌ای برای نخستین بار در منطقه مستقر شد. در سند امنیت ملی جدید روسیه مصوب سال ۲۰۰۰، کاربرد سلاح هسته‌ای در شرایط ناتوانی از دفع حمله احتمالی با سلاح‌های متعارف مجاز شمرده شد. جنبه دوم، روسیه که هنوز از بحران اقتصادی ۱۹۹۸ خارج نشده بود؛ قادر به نظامی کردن جناح غربی خود نبود. در این راستا دو جناح ضعیف ناتو (دریای بالتیک و دریای سیاه) تبدیل به اصلی‌ترین اهداف سیاست خارجی روسیه شدند. جزئیات حاصل از آرایش نیروها در زاپاد ۲۰۰۹-۲۰۱۷ نشان می‌دهد که روسیه به‌وضوح قدرت جنگی خود را از نظر آمادگی، تحرک، فرماندهی و نظارت، کمیت و قدرت مبارزاتی تقویت کرده است. پتریتیس با تحلیل زاپاد ۲۰۱۷ نشان داد که روسیه در حال تصویرسازی جنگی بزرگ علیه ناتو در منطقه بالتیک است، و این تمرین‌ها از منطق سه فازی علیه ناتو تبعیت می‌کند:

*فاز اول:* حمله سریع و هیبریدی، باهدف تصرف اهداف اصلی نظامی و سیاسی با موشک‌های دوربرد دقیق، بمب‌افکن‌ها، زیردریایی‌های هسته‌ای، حملات هوایی و جنگ الکترونیک از مبدأ پسکوف، اسمولنسک و کالینینگراد؛

*فاز دوم:* شروع درگیری با استفاده از نیروی زمینی و دفع نیروهای ناتو به عقب؛

*فاز سوم:* استفاده از سلاح هسته‌ای برای توقف کامل دشمن و آغاز مذاکره و امتیازگیری (Petraitis, 2018: 232-233).

با در نظر گرفتن این تحلیل و سابقه عملیات روسیه در اوکراین، در صورت بروز منازعه در بالتیک، روسیه دست به راهبرد هیبریدی خواهد زد، و منازعه به مرزهای شمالی، شرقی و جنوب شرقی ناتو کشیده خواهد شد. قسمتی از این جنگ هیبریدی معطوف به جنگ اطلاعاتی خواهد بود.

بر اساس طرح اوزن-۹<sup>۱</sup> بر به‌روزرسانی سلاح‌های کشتارجمعی روسیه تأکید شد، و مانورهای زاپاد و لادوگا<sup>۲</sup> ابعاد گسترده‌تری به‌خود گرفتند. برای نمونه، در زاپاد ۲۰۱۳ وسعت، نیروهای نظامی و تجهیزات به‌کاررفته به‌طور دقیق به‌اندازه دوران شوروی بود. بر اساس برآوردها حدود ۱۰۰،۰۰۰ نیروی نظامی از مرزهای نروژ تا لهستان مستقر شدند (Sukhankin, 2017: 26). البته این آمار مربوط به کل منطقه بالتیک است. روسیه از ۱۹۹۸ سیاست کاهش نفرات در کالینینگراد را آغاز کرده بود؛ به‌گونه‌ای که ۸۹٪ نیروهای روس از منطقه خارج و شمار نیروها به ۳۲۰۰۰ نفر رسید. شمار این نیروها که در ۲۰۰۰ به ۲۵۰۰۰ نفر رسیده بود، اکنون بین ۱۵۰۰۰-۳۵۰۰۰ نفر متغیر است (Żyła, 2019: 105). کاهش نفرات به‌معنای کاهش تجهیزات نظامی نبوده است. برنامه‌ریزان نظامی ناتو تخمین می‌زنند که روسیه می‌تواند با سرعت، ۵۰-۶۰ هزار نیرو را رهسپار منطقه کند؛ یعنی روسیه قادر خواهد بود نیروهای خود را در کل مرزهای غربی مستقر سازد، و به کشورهای بالتیک به‌صورت انفرادی و یا گروهی حمله کند (Żyła, 2019: 107). در ۳ اوت ۲۰۲۰، نیروی دریایی روسیه شروع به تمرین سپر اقیانوس<sup>۳</sup> در دریای بالتیک کرد. این مانور گسترده شامل ۳۰ کشتی جنگی، هواپیماهای نیروی دریایی، واحدهای پدافند هوایی ساحلی و دریایی بود و بلافاصله پس از رژه دریایی سنت پترزبورگ و کرونشتات<sup>۴</sup> صورت پذیرفت. تمرین سپر اقیانوس از ۲۰۱۸ به‌صورت سالانه انجام می‌شود، و نمونه بارز تلاش روسیه برای هراس‌افکنی در غرب است (Hurt, 2020) و احتمال حمله به دریای سیاه یا بالتیک را بالا برده است.

### ۵.۳. ترس؛ عامل روان‌شناختی معمای امنیتی دریای بالتیک

با توجه به آنچه گفته شد، منطقه کالینینگراد برای روسیه به‌طور توأمان فرصت و چالش است. از یک‌سو، به روسیه اجازه دفاع هوایی در حمایت از واحدهای زمینی را می‌دهد و ناوگان روسیه در دریای بالتیک در آن مستقر هستند. در نتیجه نظارت بر منطقه مرکزی دریا را ممکن کرده است. دسترسی به خلیج فنلاند، نه‌تنها سبب نفوذ روسیه در کشورهای بالتیک بلکه در

---

1. Osen-9  
2. Ladoga  
3. Ocean Shield  
4. Kronstadt

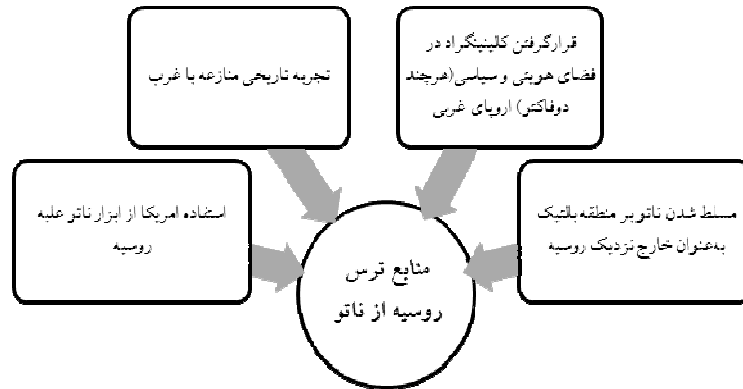
فنلاند و سوئد نیز می‌شود، اما از سوی دیگر موقعیت کالینینگراد به‌عنوان منطقه برونگان روسیه سبب دامن زدن ترس روس‌ها و اقدام در جهت ارضای غرور ملی با نظامی کردن منطقه شده است. درعین حال، ناتو نیز نگران است که در صورت وقوع منازعه در این منطقه با توجه به دست بالای روس‌ها در کالینینگراد و گذرگاه سووالکی، امکان ارسال نیرو به کشورهای بالتیک وجود نداشته باشد (Veebal and Sliwa, 2019: 112).

ترس، واکنش به خطری است که شاید عینی هم نیست؛ بلکه تفسیر نمادها و پدیده‌ها به‌عنوان خطر یا تهدید است. ابهام در مورد طرف مقابل، منبع اصلی تولید ترس است. در روابط راهبردی یکی از کارویژه‌های گفتمانی ترس، گیج کردن طرف مقابل است (Ventsel et al., 2019: 6). از منظر واقع‌گرایی تدافعی، در شرایط ناامنی، دولت‌ها دست به اقداماتی می‌زنند که به‌عنوان رفتار تجدیدنظرطلبانه تلقی می‌شود. به‌ویژه اقداماتی که از سوی دولت‌هایی انجام می‌شود که از مزیت رقیب می‌ترسند. افزایش ناامنی ناشی از ضعف، در صورت وقوع جنگ، دولت را به‌خطر می‌اندازد. نظامی شدن یک دولت از جهت کاهش توانایی دولت برای دفاع از خود و اعتقاد به خطرناک بودن دولت تجدیدنظرطلب سبب کاهش امنیت دولت دیگر خواهد شد (Kerrane, 2020: 25). این‌که دولت‌ها چه اندازه از هم می‌ترسند مهم است، زیرا میزان ترس آن‌ها از یکدیگر تعیین‌کننده شدت و ضعف رقابت امنیتی و احتمال بروز جنگ میان آن‌ها است. دولتی که احساس ترس می‌کند، به‌سختی تلاش می‌کند تا امنیت خود را تأمین کند و برای رسیدن به این هدف حتی ممکن است سیاست‌های مخاطره‌آمیزی در پیش گیرد. با توجه به موقعیت جغرافیایی کالینینگراد، ترس دو طرف از یکدیگر بسیار بالا است.

مجموعه فعالیت‌های روسیه در منطقه بالتیک که بیان شد، سبب افزایش تکاپوی ناتو و کشورهای عضو در جهت عملیات جمع‌آوری اطلاعات شده است. برای مثال، در ۲۸ اوت ۲۰۲۰، شش هواپیمای بوئینگ بی-۵۲ استراتوفورتس<sup>۱</sup> که از بمب‌افکن‌های راهبردی ارتش آمریکا هستند، به‌همراه ۸۰ هواپیمای جنگی ناتو شروع به پرواز در منطقه بالتیک کردند؛ و این‌گونه پیامی آشکار برای روسیه مخابره شد. البته این مانور از سوی روسیه بی‌پاسخ نماند و حین مانور، دو هواپیمای سوخو ۲۷ چند بار در مقابل بمب‌افکن‌های ناتو در نزدیک جزیره برنهلیم<sup>۲</sup> و فضای هوایی دانمارک (نقض آشکار حریم هوایی کشور عضو ناتو) قرار گرفتند. این دو سوخو از کالینینگراد بر خواسته بودند (Hurt, 2020).

1. B-52 Stratofortress  
2. Bornholm

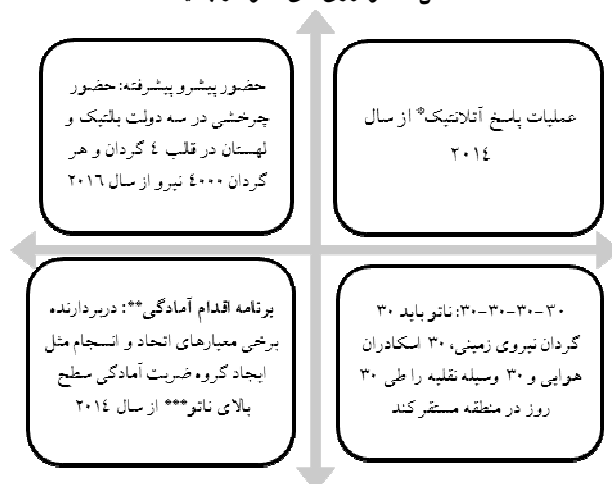
شکل ۸. منابع ترس روسیه از ناتو



منبع: نگارنده

تحرکات روسیه در دریای بالتیک سبب هراس جناح شرقی و شمالی ناتو شده است. ناتو برای نشان دادن تعهد خود به این کشورها نیروی نظامی فراوانی را به سوی کشورهای بالتیک و لهستان گسیل داشته است. این اقدامات، در قالب راهبرد «حضور پیشرو پیشرفته»<sup>۱</sup> انجام شد. هرچند این راهبرد تنها باهدف اطمینان خاطر و سیاست دفاعی ناتو اعمال شد؛ اما روس‌ها آن را حرکتی تهاجمی (معمای امنیتی) تفسیر کردند. ترس، انگیزه اقدامات روسیه در اوکراین بود و بی‌توجهی به این مسئله سبب اوج‌گیری بحران در بالتیک یا دامن زدن دوباره به منازعه در دنباس نیز خواهد شد (Bojang, 2017:7). پس از تمرین نظامی روسیه در سپتامبر ۲۰۲۰، ارتش سوئد اعلام کرد آمادگی نظامی خود را بالا خواهد برد. چشم‌انداز کنونی امنیت منطقه‌ای تحت تأثیر سه جریان مرتبط باهم است که شامل رفتار تهاجمی روسیه، تقویت اتحاد ناتو، و درنهایت همگرایی بیشتر سوئد و فنلاند در شبکه بازدارندگی غرب است (Pesu, 2020:1). اندرکنش میان این جریان‌ها در محیط امنیتی کنونی تعیین‌کننده است. رفتار آشوب‌زای روسیه، نیروهای ناتو را در منطقه متحدتر کرده است. نوآوری‌های ناتو در برابر روسیه در منطقه بالتیک را می‌توان در شکل ۹ مشاهده کرد.

شکل ۹. نوآوری‌های ناتو در بالتیک



یادداشت‌ها: (\*\*\*) VJTF; (\*\*\*) Readiness Action Plan; (\*) Atlantic Resolve Operation)  
منبع: نگارنده

ارزیابی این نوآوری‌ها نشان می‌دهد که راهبرد ناتو در این منطقه تدافعی و مبتنی بر بازدارندگی است. بر این اساس، معمای امنیتی موجود در سمت ناتو خود را به‌سوی تأکید بر راهبرد «نیروی دفاعی خط مقدم»<sup>۱</sup> متبلور کرده است. این سیاست از عناصر مهم نظریه بازدارندگی است. نیروی دفاعی خط مقدم نیروی کوچک نظامی است که در خط اول دفاع کشور برای بازداشتن حمله دشمن مستقر می‌شود. طرف مقابل می‌داند در صورت حمله به این نیرو با پاسخ نظامی روبرو خواهد شد (Trip Wire, 2016). اگر روس‌ها به این نیرو حمله کنند، می‌دانند با پاسخ سخت ناتو روبرو خواهند شد، و این بازدارندگی را تضمین می‌کند. بازدارندگی گسترده<sup>۲</sup> خواهد بود؛ یعنی هدف، دفاع از قلمرو هم‌پیمانان است. در اینجا تأکید بر بازدارندگی، مبتنی بر مجازات است، و نه تخدیر. نقش سلاح هسته‌ای را نمی‌توان در این سیاست نادیده گرفت. هرگونه تصمیم ناتو در راستای تقویت بازدارندگی و موضع دفاعی آن باید بر مبنای تحلیل راهبرد روسیه و دکترین نظامی این کشور باشد. در اجلاس ناتو در ولز ۲۰۱۴، ورشو ۲۰۱۶ و بلاروس ۲۰۱۸ یک راهبرد جامع تدوین شد. این راهبرد بر دو هدف مشترک تأکید می‌کند: ۱. تقویت بازدارندگی و جایگاه دفاعی ناتو در برابر روسیه؛ ۲. تسهیل گفت‌وگو سیاسی با شرکا و حمایت از ظرفیت‌سازی امنیت-دفاعی در منطقه (Brauss, et al., 2020: 14).

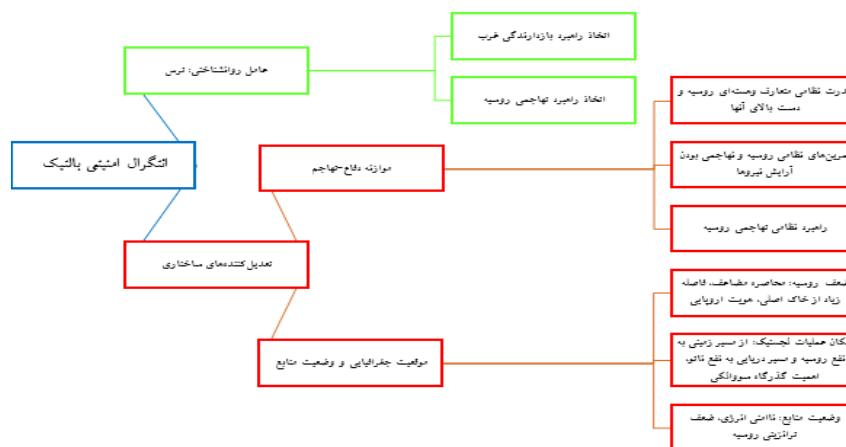
1. Tripwire
2. Extended Deterrence

از دید ویبال، بازدارندگی ناتو از دو جهت در منطقه بالتیک اعتبار دارد: ۱. قابلیت هسته‌ای اعضای ناتو؛ ۲. قابلیت نظامی متعارف دولت‌های بالتیک (Veebel, 2018:230) البته با توجه به آنچه بیان شد، در اجرای عملی این قابلیت‌ها مشکلاتی وجود دارد. ایده کلی قابلیت نظامی به‌عنوان اصلی‌ترین عامل بازدارندگی ناتو سبب عقب‌نشینی روسیه از مواضع تهاجمی خود نشده است. نزدیکی جغرافیایی روسیه با کشورهای بالتیک و اولویت‌های متنوع اعضای ناتو سبب شده است که روسیه تا حد زیادی برتری نظامی متعارف خود در بالتیک را تضمین کند (Veebel, 2018: 245).

### ۶. نتیجه

برای بررسی تأثیر جایگاه کالینینگراد بر محیط امنیتی بالتیک با استفاده از چارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی به تحلیل مفاهیم و قضایای معمای امنیتی و اجزا سازنده آن پرداخته شد؛ و تحلیل مفهومی پیش‌گفته، به شکل ۱۰ انجام شد:

شکل ۱۰. نتیجه تحلیل مفهومی



منبع: نگارنده

با توجه به مؤلفه جغرافیا، روسیه امتیاز زمان-نیرو-مسافت را در برابر دولت‌های بالتیک در اختیار دارد؛ و در نتیجه ناتو در این منطقه به لحاظ جغرافیایی در موضعی پایین‌تر قرار می‌گیرد. حتی با وجود کاهش مستقیم نیروهای روسی در کالینینگراد، این کشور همچنان از برتری نظامی کامل در زمان صلح از نظر تانک‌ها، جنگنده‌های هوایی، توپخانه راکتی و موشک‌های بالستیک

کوتاه‌برد اسکندر برخوردار است. در مورد منازعه نظامی، راهبرد روسیه معطوف به دستیابی به برتری نظامی در برابر ناتو با افزایش نفرات و ادوات جنگی از یک‌سو، و حرکت سریع‌تر نسبت به ناتو از سوی دیگر است. همین موضوع روس‌های را به‌سوی سیاست‌های تهاجمی کشانده است.

کلیه حرکات روسیه از سوی ناتو به‌عنوان تحدید تلقی می‌شود؛ و برعکس. درحالی‌که ناتو نگران وضعیت امنیت بالتیک است؛ روسیه نیز نگران منطقه برونگان خود است. در پاسخ به استقرار زیرساخت‌های نظامی ناتو در لهستان و لیتوانی، تلاش ناتو برای درگیر کردن کشورهای بی‌طرف چون فنلاند و سوئد و استقرار موشک‌های ناتو در اروپا از سوی روسیه سبب شد روسیه نیز موشک‌های هسته‌ای خود را در کالینینگراد مستقر کند. در پاسخ به تحرکات نظامی ناتو، روس‌ها شروع به مانورهای نظامی گسترده و رفتار نامتقارن برای آزمون صبر غرب کردند. در این بین برخی تصادف‌های خطرناک نیز میان روسیه و ناتو رخ داد. قرار دادن تصمیم‌های روسیه در مدار ترس، ترس ناتو از دستاوردهای نسبی روسیه، زیرسوال بردن ثبات غرب از سوی روسیه، نگاه ناتو به روسیه به‌عنوان دولت تجدیدنظرطلب سبب ایجاد ماریپچ امنیتی میان طرفین شده است. روس‌ها به‌دنبال حفظ عمق استراتژیک خود در بالتیک هستند، و این تنها مستلزم حفظ کالینینگراد است. گسترش ناتو به‌سوی شرق و افزایش نفوذ آن در منطقه برای روسیه تهدید است، و این روسیه را به‌سوی کسب دستاوردهای نسبی بیشتری می‌راند. همین مسئله خودبه‌خود تنش در منطقه را افزایش داده است.

کنش نظامی روسیه از مبدأ کالینینگراد باهدف دولت‌های بالتیک بعید به‌نظر می‌رسد، اما ناممکن نیست. روسیه احتمال چنین مسئله‌ای را در مانورهای نظامی خود لحاظ کرده است. باید توجه داشت که اکنون ناتو برنامه‌ای برای کالینینگراد ندارد؛ اما روسیه که روزی نیمی از خطوط ساحلی بالتیک را در دست داشت، کالینینگراد را در محاصره ناتو می‌بیند و برای دفاع از خود و مانع‌شدن از هرگونه تحرک ناتو در دریای بالتیک ناوگان خود را در آنجا مستقر کرده است.

#### بیانیه نبود تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده است.

## حمایت مالی

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی «مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی» دانشگاه تهران است؛ که با حمایت مادی و معنوی آن مرکز انجام شده است؛ در نتیجه، مراتب قدردانی و سپاس نگارنده از آن موسسه برای پشتیبانی از این پژوهش اعلام می‌شود.

## منابع و مأخذ

## الف) فارسی

۱. پیشگامی‌فرد، زهرا؛ حسین عرب. (۱۳۸۳) «ژئوپلیتیک دریای بالتیک و اهمیت منطقه‌ای آن»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۷۷، ۲۲: ۷۹-۵۳، <DOI:10.17354331.1390.7.23.3.8>
۲. ستاری، علی. (۱۳۹۶) «بررسی و نقد روش تحلیل مفهومی با رویکرد به پوزیتیویسم منطقی در پژوهش‌های تربیتی»، اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۳، ۱: ۹۱-۱۱۴، <DOI:10.22051/jontoe.2017.9494.1241>
۳. وائق، محمود؛ و دیگران. (۱۴۰۰) «گسترش قلمرو ناتو در مناطق بالتیک، دریای سیاه، و اروپای شرقی و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۳، ۱: ۳۶۴-۳۴۳، <DOI:10.22059/jhgr.2020.279402.1007901>

## ب) انگلیسی

4. Abel, Scott; and Tekstikoda OÜ, eds. (2021) *International Security and Estonia 2021*, trans. Margus Elings. Tallinn: Estonian Foreign Intelligence Service. Available at: <https://www.valisluureamet.ee/doc/raport/2021-en.pdf> (Accessed 15 July 2021).
5. Acharya, Avidit; and Kristopher Ramsay. (2013, March) "The Calculus of the Security Dilemma," *Quarterly Journal of Political Science* 8, 2: 183-203, <DOI:10.1561/100.00011066>.
6. Altman, Dan. (2018) "Advancing without Attacking: The Strategic Game around the Use of Force," *Security Studies* 27, 1: 58-88, <DOI:10.1080/09636412.2017.1360074>.
7. Anderson, Benedict. (2006) *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*. London: Verso.
8. Belova, Anna Valerievna, et al. (2015) "The Future Role of Kaliningrad Oblast of Russia as an International Development Corridor," *Eurolimes* 19: 57-68, <DOI:10.168-ssoar-46522-8>.
9. Bojang, Osman. (2017) *Enemy at the Gates\_ Understanding the Annexation of Crimea by Looking at NATO Enlargement*. Leiden: Leiden University.
10. Brauss, Heinrich. (2020, February 26) "A Threatening Neighbor," *Berlin Policy Journal*. Available at: <https://berlinpolicyjournal.com/a-threatening-neighbor> (Accessed 7 July 2021).
11. Brauss, Heinrich, et al. (2020) *Capability and Resolve, Deterrence, Security and Stability in the Baltic Region*. Tallinn: Konrad Adenaur Stiftung.
12. Elak, Leszek; and Zdzisław Śliwa. (2016) "The Suwalki Gap: NATO's Fragile Hot Spot," *Zeszyty Naukowe AON* 103, 2: 24-41. Available at: <https://b2n.ir/h71400> (Accessed 7 June 2021).
13. Giles, Keir; and Mathieu Boulegue. (2019) "Russia's A2/AD Capabilities: Real and Imagined," *Parameters* 49, 1: 21-36. Available at: <https://press.armywarcollege.edu/parameters/vol49/iss1/4> (Accessed 18 June 2021).
14. Glaser, Charles L.; and Chaim Kaufmann. (1998) "What is the Offense-Defense Balance and can We Measure it? (Offense, Defense, and International Politics),"



- International Security* 22, 4: 44-82. Available at: <https://b2n.ir/q85250> (Accessed 14 July 2021).
15. Gromadzki, Grzegorz; and Andrzej Wilk. (2010) *Overcoming Alienation: Kaliningrad as a Russian Enclave Inside the European Union*. Warsaw: Stefan Batory Foundation.
  16. Hurt, Martin. (2020, September 7) "Military Tension Increases in the Baltic Sea Region," *Commentary*, *icds.ee*. (International Center for Defense and Security). Available at: <https://icds.ee/en/military-tension-increases-in-the-baltic-sea-region> (Accessed 5 June 2021).
  17. Ivanauskas, Vilius, et al. (2017) "Kaliningrad Factor in Lithuanian -Russian Relations: Implications to the Security Issues of Lithuania," *Lithuanian Annual Strategic Review* 15, 1: 119-149, <DOI: 10.1515/lasr-2017-0006>.
  18. Jovic-Lazic, Ana; and Marko Nikolic. (2012) "The Position of the Kaliningrad Region of the Russian Federation after the Enlargement of the European Union," in Dragana Mitrovic, et al. eds. *The Meaning of Border and Border Issues in the Age of Globalization: Europe and Asia*. Belgrade: Institut za Medjunarodnu Politiku i Privredu.
  19. Kerrane, Evan. (2020) "Russian Insecurities: How Fear Drives Perception in the Near Abroad," *Journal on Baltic Security* 6, 1: 23-32, <DOI:10.2478/jobs-2020-0004>.
  20. Lobell, Steven. (2010) "Structural Realism/Offensive and Defensive Realism," in Robert A. Denemark and Renée Marlin-Bennett, eds. *The International Studies Encyclopedia*. Oxford: Oxford University Press, <DOI:10.1093/acrefore/9780190846626.013.304>.
  21. Lynn-Jones, Sean. (1995). "Offense-Defense Theory and Its Critics," *Security Studies* 4, 4: 660-691, <DOI:10.1080/09636419509347600>.
  22. "Minsk-Vilnius-Kaunas-Kaliningrad Natural Gas Pipeline," (2020, July) *Hydrocarbons-Technology.com*. Available at: <https://www.hydrocarbons-technology.com/projects/minskvilniuskaunaskaliningrad-natural-gas-pipeline> (Accessed 4 July 2021).
  23. Mite, Valentinas. (2002, September) "Russia: Is Kaliningrad Looking for a New Identity?" *rferl.org*. Available at: <https://www.rferl.org/a/1100742.html> (Accessed 10 June 2021).
  24. Naumkin, Sergey. (2004) *Possibility of Kaliningrad Integration into the Single European Space*. Berlin: Humboldt Universitat zu Berlin.
  25. Olberg, Ingmar. (2019, March 26) "Kaliningrad's Problematic Exclave Status," *Baltic Worlds* 12: 70-72. Available at: <http://balticworlds.com/kaliningrads-problematic-exclave-status> (Accessed 11 March 2021).
  26. Orlenok, Vyacheslav V., et al. (2015) "Mineral Resources of the Kaliningrad Region," *Mediterranean Journal of Social Sciences* 6, 6: 252-256, <DOI:10.5901/mjss.2015.v6n6s7p252>.
  27. Pesu, Matti. (2020) "Hard Security Dynamics," in Matti Pesu, ed. *The Baltic Sea Region: From Turbulence to Tense Stability*. Helsinki: FIIA.
  28. Petraitis, Daivis. (2018) "The Anatomy of Zapad-2017: Certain Features of Russian Military Planning," *Lithuanian Annual Strategic Review* 16, 1: 229-267, <DOI:10.2478/lasr-2018-0009>.
  29. Richard, Yann, et al. (2018) "The Russian Exclave of Kaliningrad. Challenges and Limits of its Integration in the Baltic Region," *Baltic Region* 10, 1: 89-106, <DOI:10.4000/cybergeo.26945>.
  30. Statista. (2021, July) "Countries with the Highest Military Spending Worldwide in 2020," *statista.com*. Available at: <https://www.statista.com/statistics/262742/countries-with-the-highest-military-spending> (Accessed 8 July 2021).

31. Sukhankin, Sergey. (2017) "Kaliningrad and Baltic Region Security," *Monografias Barcelona Center for International Affairs (CIDOB)*. Available at: [https://www.cidob.org/en/publications/publication\\_seres/monographs](https://www.cidob.org/en/publications/publication_seres/monographs) (Accessed 2 August 2021).
32. "Suwalki Gap," (2021, August) *Global Security.org*. Available at: <https://www.globalsecurity.org/military/world/europe/suwalki-gap.htm> (Accessed 2 August 2021).
33. Taliaferro, Jeffrey W. (2000) "Security Seeking under Anarchy: Defensive Realism Revisited," *International Security* 25, 3: 128-161, <DOI:10.1162/016228800560543>.
34. "Trip Wire: NATO's Russia Dilemma," (2016, November 10) *Carnegie.org*. Available at: <https://www.carnegie.org/news/articles/trip-wire-natos-russia-dilemma> (Accessed 5 June 2021).
35. US Census Bureau. (2021, August) "Kaliningrad Population 2021," *World Population Review*. Available at: <https://worldpopulationreview.com/world-cities/kaliningrad-population> (Accessed 10 August 2021).
36. Veebel, Viljar. (2018) "NATO Options and Dilemmas for Deterring Russia in the Baltic States," *Defense Studies* 18, 2: 229-251, <DOI:10.1080/14702436.2018.1463518>.
37. Veebal, Vilijar; and Zdzislaw Sliwa. (2019) "Kaliningrad, the Suwalki Gap and Russia's Ambitions in the Baltic Region," *Journal of International Studies* 3, 12: 109-121, <DOI:10.14254/2071-8330.2019/12-3/9>.
38. Ventsel, Andreas, et al. (2019) "Discourse Of Fear In Strategic Narratives: The Case Of Russia's Zapad War Games," *Media, War & Conflict* 00, 0: 1-19, <DOI:10.1177/1750635219856552>.
39. Wivel, Andres. (2011) "Security Dilemma," in Bertrand Badie, et al., eds. *The International Encyclopedia of Political Science*. London: Sage Publications, <DOI:10.4135/9781412959636.n549>.
40. Żyła, Marek. (2019). "Kaliningrad Oblast in the Military System of the Russian Federation," *Security and Defense Quarterly* 25, 3: 99-117, <DOI:10.35467/sdq/105636>.



Research Paper

## **Kaliningrad Oblast Geostrategic Position and its Impact on Russia-NATO Security Integral in the Baltic Sea**

**Roxana Niknami** \*

Assistant Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran

Received: 22 August 2021, Accepted: 20 June 2022  
© University of Tehran

### **Abstract**

As Russia's only navigable port in the Baltic Sea, Kaliningrad has a prominent geostrategic position. Kaliningrad Oblast as an exclave region is miles away from Russian mainland, and is actually situated closer to some European member states of the North Atlantic Treaty Organization (NATO). Kaliningrad's militarization and Russia's policy of defending itself against NATO's Eastward Expansion have heightened the tensions among regional countries. Since 2008, Russia has activated the so-called 'Iskander diplomacy', redesigned its weapons of mass destruction, and launched large-scale military maneuvers. The 2014 Ukraine crisis showed that Russia has no intention to leave Eastern Europe. Moreover, Kremlin withdrew from the Treaty on Conventional Armed Forces in Europe in 2015. The combination of these measures led to the revival of militarism in the Kaliningrad region, and created a security dilemma in the Baltic Sea, when NATO member countries in the region reacted by emphasizing deterrence. In this paper, to make sense of the new developments in the region, the author attempts to answer two key questions: 1. What had been the most significant effects of the geostrategic position of Kaliningrad as Russia's external guardhouse in the Baltic Sea on the Russia-NATO security integral in the region?; and 2. What will be the most likely defense models of the Baltic countries given Russia's power preponderance in the region? In the hypothesis, it is asserted that the geographical location, resources, and re-militarization of Kaliningrad have led to the formation of a security dilemma in the Baltic region in the form of an arms race, which has in turn fueled the rival states' fear of each other and has increased the probability of a threatening confrontation between military forces of Russia and NATO allies.

The research hypothesis will be tested within the framework of defensive realism theory, since the security dilemma is perhaps the theoretical cornerstone of defensive realism. The security dilemma theory and the broader spiral model constitute a persuasive theory of war between

---

\* Corresponding Author Email: [niknami.roxana@ut.ac.ir](mailto:niknami.roxana@ut.ac.ir)

states, and explain the outbreak of war and the maintenance of peace. The advocates of the security dilemma theory argue that an increase in security of one state might make other states less secure, not because of misperceptions or imagined hostility, but because of the anarchic situation of international relations. The method of research is conceptual analysis, which is useful for examining concepts for their semantic structure. The main uses of conceptual analysis include refining and clarifying concepts in theory, practice, and research as well as arriving at precise theoretical and operational definitions for research. Conceptual analysis evaluates concepts, terms, variables, constructs, definitions, assertions, hypotheses and theories, by examining them for clarity and coherence, and critically scrutinizing their logical relations in order to identify assumptions and implications. Conceptual analysis, which is occasionally called theoretical research and closely related to critical thinking, is not merely a matter of language or language use. The conceptual analysis exposes (typically unconsciously) practical inconsistency, such as when someone rejects logic by employing a valid deductive argument or adopts a realist approach in their research while explicitly claiming allegiance to antirealist perspectives.

According to the conceptual analysis method derived from the rational positivism approach, the relationship between NATO and Russia is considered an integral game with the typical function of fear. The findings show that the current security spiral between Russia and NATO lies at the top of the defensive-offensive approach. However, this international game of power is one in which direct conflict is unlikely, at least in the short-run. The reliance on NATO's nuclear weapon capabilities to provide a tangible assurance of the success of the Alliance's credible deterrence has not been an ultimately reliable guarantee against Russia's regional ambitions. This failure is due to both morality and rationality because of the arguments made on the basis of practical and rational reasons, such as the territorial proximity of Russia and the Baltic counties, the difference in opinions and priorities within NATO, and potential for the escalation of conflict. Russia is justifiably considered to have conventional power preponderance in the Baltic region. The creation of a conventional balance of power in the Baltic region is not feasible for the Baltic countries either individually or collectively even with the provision of additional forward-positioned allied battalions. The defense models of the Baltic countries are by necessity fully nonaggressive, because there is no room for them to use pre-emptive initiatives, extraterritoriality, or hybrid instruments of defense policy.

**Keywords:** Kaliningrad Oblast, Security Dilemma, Baltic Sea, Defensive Realism

**Declaration of conflicting interests**

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

### Funding

The author disclosed receipt of the following financial support for the research, authorship, and/or publication of this article: She received financial support for the research of this article from *Markaz-e motāleāt-e orāsīā-ye markazi* (the Center for Central Eurasia Studies) at the University of Tehran.

**ORCID iDs:** <https://orcid.org/0000-0003-4694-4835>

### References

- Abel, Scott; and Tekstikoda OÜ, eds. (2021) *International Security and Estonia 2021*, trans. Margus Elings. Tallinn: Estonian Foreign Intelligence Service. Available at: <https://www.valisluureamet.ee/doc/raport/2021-en.pdf> (Accessed 15 July 2021).
- Acharya, Avidit; and Kristopher Ramsay. (2013, March) "The Calculus of the Security Dilemma," *Quarterly Journal of Political Science* 8, 2: 183-203, <DOI:10.1561/100.00011066>.
- Altman, Dan. (2018) "Advancing without Attacking: The Strategic Game around the Use of Force," *Security Studies* 27, 1: 58-88, <DOI:10.1080/09636412.2017.1360074>.
- Anderson, Benedict. (2006) *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*. London: Verso.
- Belova, Anna Valerievna, et al. (2015) "The Future Role of Kaliningrad Oblast of Russia as an International Development Corridor," *Eurolimes* 19: 57-68, <DOI:0168-ssoar-46522-8>.
- Bojang, Osman. (2017) *Enemy at the Gates\_ Understanding the Annexation of Crimea by Looking at NATO Enlargement*. Leiden: Leiden University.
- Brauss, Heinrich. (2020, February 26) "A Threatening Neighbor," *Berlin Policy Journal*. Available at: <https://berlinpolicyjournal.com/a-threatening-neighbor> (Accessed 7 July 2021).
- Brauss, Heinrich, et al. (2020) *Capability and Resolve, Deterrence, Security and Stability in the Baltic Region*. Tallinn: Konrad Adenaur Stiftung.
- Elak, Leszek; and Zdzisław Śliwa. (2016) "The Suwalki Gap: NATO's Fragile Hot Spot," *Zeszyty Naukowe AON* 103, 2: 24-41. Available at: <https://b2n.ir/h71400> (Accessed 7 June 2021).
- Giles, Keir; and Mathieu Boulegue. (2019) "Russia's A2/AD Capabilities: Real and Imagined," *Parameters* 49, 1: 21-36. Available at: <https://press.armywarcollege.edu/parameters/vol49/iss1/4> (Accessed 18 June 2021).
- Glaser, Charles L.; and Chaim Kaufmann. (1998) "What is the Offense-Defense Balance and can We Measure it? (Offense, Defense, and International Politics)," *International Security* 22, 4: 44-82. Available at: <https://b2n.ir/q85250> (Accessed 14 July 2021).
- Gromadzki, Grzegorz; and Andrzej Wilk. (2010) *Overcoming Alienation: Kaliningrad as a Russian Enclave Inside the European Union*. Warsaw: Stefan Batory Foundation.
- Hurt, Martin. (2020, September 7) "Military Tension Increases in the Baltic Sea Region," *Commentary*, *icds.ee*. (International Center for Defense

- and Security). Available at: <https://icds.ee/en/military-tension-increases-in-the-baltic-sea-region> (Accessed 5 June 2021).
- Ivanauskas, Vilius, et al. (2017) "Kaliningrad Factor in Lithuanian -Russian Relations: Implications to the Security Issues of Lithuania," *Lithuanian Annual Strategic Review* 15, 1: 119-149, <DOI: 10.1515/lasr-2017-0006>.
- Jovic-Lazic, Ana; and Marko Nikolic. (2012) "The Position of the Kaliningrad Region of the Russian Federation after the Enlargement of the European Union," in Dragana Mitrovic, et al. eds. *The Meaning of Border and Border Issues in the Age of Globalization: Europe and Asia*. Belgrade: Institut za Medjunarodnu Politiku i Privredu.
- Kerrane, Evan. (2020) "Russian Insecurities: How Fear Drives Perception in the Near Abroad," *Journal on Baltic Security* 6, 1: 23-32, <DOI:10.2478/jobs-2020-0004>.
- Lobell, Steven. (2010) "Structural Realism/ Offensive and Defensive Realism," in Robert A. Denemark and Renée Marlin-Bennett, eds. *The International Studies Encyclopedia*. Oxford: Oxford University Press, <DOI:10.1093/acrefore/9780190846626.013.304>.
- Lynn-Jones, Sean. (1995). "Offense-Defense Theory and Its Critics," *Security Studies* 4, 4: 660-691, <DOI:10.1080/09636419509347600>.
- "Minsk–Vilnius–Kaunas–Kaliningrad Natural Gas Pipeline," (2020, July) *Hydrocarbons-Technology.com*. Available at: <https://www.hydrocarbons-technology.com/projects/minskvilniuskaunaskaliningrad-natural-gas-pipeline> (Accessed 4 July 2021).
- Mite, Valentinas. (2002, September) "Russia: Is Kaliningrad Looking for a New Identity?" *rferl.org*. Available at: <https://www.rferl.org/a/1100742.html> (Accessed 10 June 2021).
- Naumkin, Sergey. (2004) *Possibility of Kaliningrad Integration into the Single European Space*. Berlin: Humboldt Universitat zu Berlin.
- Olberg, Ingmar. (2019, March 26) "Kaliningrad's Problematic Exclave Status," *Baltic Worlds* 12: 70-72. Available at: <http://balticworlds.com/kaliningrads-problematic-exclave-status> (Accessed 11 March 2021).
- Orlenok, Vyacheslav V., et al. (2015) "Mineral Resources of the Kaliningrad Region," *Mediterranean Journal of Social Sciences* 6, 6: 252-256, <DOI:10.5901/mjss.2015.v6n6s7p252>.
- Pesu, Matti. (2020) "Hard Security Dynamics," in Matti Pesu, ed. *The Baltic Sea Region: From Turbulence to Tense Stability*. Helsinki: FIIA.
- Petraitis, Daivis. (2018) "The Anatomy of Zapad-2017: Certain Features of Russian Military Planning," *Lithuanian Annual Strategic Review* 16, 1: 229-267, <DOI:10.2478/lasr-2018-0009>.
- Pishghahifard, Zahra; and Hossein Arab. ( 2011, September) "Jeopolitik-e daryā-ye bāltic va ahamiyat-e manteghei-ye ān (Geopolitics of Baltic Sea and its Regional Importance)," *Fasl'nāmeḥ-ye bein'ol mellali-ye jeopolitik (International Quarterly of Geopolitics)* 7, 23: 53-79, <DOR:20.1001.1. 17354331.1390.7.23.3.8>. [in Persian]

- Richard, Yann, et al. (2018) "The Russian Exclave of Kaliningrad. Challenges and Limits of its Integration in the Baltic Region," *Baltic Region* 10, 1: 89-106, <DOI:10.4000/cybergeo.26945>.
- Sattari, Ali. (2017) "Baresi va nagh-d-e ravesh tahlil-e mafhomi bā roykard be positivism-e manteghi dar pajohesh'hā-ye tarbiyati (Review and Critique of Conceptual Analysis as a Method of Research in Education)," *Fasl'nāme-h-ye andishe'hā-ye nivin-e tarbiyati (Journal of New Thoughts on Education)* 13, 1: 91-114, <DOI:10.22051/jontoe.2017.9494.1241>. [in Persian]
- Statista. (2021, July) "Countries with the Highest Military Spending Worldwide in 2020," *statistica.com*. Available at: <https://www.statista.com/statistics/262742/countries-with-the-highest-military-spending> (Accessed 8 July 2021).
- Sukhankin, Sergey. (2017) "Kaliningrad and Baltic Region Security," *Monografias Barcelona Center for International Affairs (CIDOB)*. Available at: [https://www.cidob.org/en/publications/publication\\_seres/monographs](https://www.cidob.org/en/publications/publication_seres/monographs) (Accessed 2 August 2021).
- "Suwalki Gap," (2021, August) *Global Security.org*. Available at: <https://www.globalsecurity.org/military/world/europe/suwalki-gap.htm> (Accessed 2 August 2021).
- Taliaferro, Jeffrey W. (2000) "Security Seeking under Anarchy: Defensive Realism Revisited," *International Security* 25, 3: 128-161, <DOI:10.1162/016228800560543>.
- "Trip Wire: NATO's Russia Dilemma," (2016, November 10) *Carnegie.org*. Available at: <https://www.carnegie.org/news/articles/trip-wire-natos-russia-dilemma> (Accessed 5 June 2021).
- US Census Bureau. (2021, August) "Kaliningrad Population 2021," *World Population Review*. Available at: <https://worldpopulationreview.com/world-cities/kaliningrad-population> (Accessed 10 August 2021).
- Vasegh, Mahmoud, et al. (2021, April). "Gostaresh-e ghalam-ro-ye nāto dar manātegh-e bāltic, daryā-ye siyāh, va oropā-ye sharghi va payāmad'hā-ye ān barā-ye Jomhouri-e eslāmī-'i Irān (Expansion of NATO Territory in the Baltic Region, the Black Sea, and Eastern Europe, and its Consequences for Islamic Republic of Iran)," *Pajohesh'ha-ye joghrāfiā-ye ensāni (Human Geography Research)* 53, 1: 343-364, <DOI:10.22059/jhgr.2020.279402.1007901> [in Persian]
- Veebel, Viljar. (2018) "NATO Options and Dilemmas for Deterring Russia in the Baltic States," *Defense Studies* 18, 2: 229-251, <DOI:10.1080/14702436.2018.1463518>.
- Veebal, Vilijar; and Zdzislaw Sliwa. (2019) "Kaliningrad, the Suwalki Gap and Russia's Ambitions in the Baltic Region," *Journal of International Studies* 3, 12: 109-121, <DOI:10.14254/2071-8330.2019/12-3/9>.
- Ventsel, Andreas, et al. (2019) "Discourse Of Fear In Strategic Narratives: The Case Of Russia's Zapad War Games," *Media, War & Conflict* 00, 0: 1-19, <DOI:10.1177/1750635219856552>.
- Wivel, Andres. (2011) "Security Dilemma," in Bertrand Badie, et al., eds. *The International Encyclopedia of Political Science*. London: Sage Publications, <DOI:10.4135/9781412959636.n549>.

Żyła, Marek. (2019) "Kaliningrad Oblast in the Military System of the Russian Federation," *Security and Defense Quarterly* 25, 3: 99-117, <DOI:10.35467/sdq/105636>.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.